

مطالعه تطبیقی جهل بسیط متهم و آثار آن در فقه امامیه، حقوق کیفری ایران و آمریکا

حسین آقای نیا*

دانشیار گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران

رضا زهروی

دانشجوی دکتری حقوق کیفری و پژوهشگر موسسه حقوق تطبیقی دانشگاه تهران

(تاریخ دریافت: ۱۳۸۸/۴/۱ - تاریخ تصویب: ۱۳۸۸/۶/۸)

چکیده:

جهل بسیط، پدیده‌ای ذهنی است که از یکسو نقیض علم و آگاهی و نافی عنصر معنوی لازم در بسیاری از جرایم در نظام‌های حقوقی گونه‌گون و برخوردار از ابعاد ثبوتی و اثباتی متعدد و موثر در مسئولیت متهم و از سوی دیگر تقسیم جهل مرکب (اشتباه ذهنی) می‌باشد و جلوه‌هایی خاص و موثر از این وضعیت روانی در مسئولیت متهم پدیدار ساخته است. بر این پایه مطالعه تطبیقی دقیق و تازه در خصوص جهل بسیط و آثار آن که به جرات می‌توان به فقدان هرگونه پژوهش مقارنه‌ای در خصوص آن در سه گستره حقوق ایران، آمریکا و فقه امامیه، توأم با نگرش به لایحه قانون مجازات اسلامی اذعان کرد، شمه‌ای از موضوع مقاله پیش روست که نگارندگان کوشیده‌اند در نهایت گامی موثر در جهت رفع این خلاء بیابند.

واژگان کلیدی:

جهل بسیط، جهل مرکب، اشتباه، حقوق کیفری ایران، حقوق آمریکا، فقه امامیه.

Email: H_AghaieNia@yahoo.com

فاکس: ۶۶۴۰۹۵۹۵

* مسئول مقاله

برای اطلاع از دیگر مقالات منتشر شده از این نویسنده در همین مجله، به صفحه پایانی این مقاله نگاه کنید.

۱- مقدمه

جهل بسیط عنوانی تازه اما دارای مسامی کهن و با سابقه در گستره حقوق و از زمره پدیدارهایی است که در این عرصه به جهت تاثیر و تاثر فراوان آن از شاخه‌های مختلف همچون فقه، جرم شناسی^۱ و نیز عرف و فرهنگ‌های متعدد، همواره پذیرای تعامل نظریه‌های گوناگون مرتبط در درون خویش بوده است.

در واقع ظهور ابعاد و گستره‌های نوین حقوق در راستای تحوّل و ترقی قواعد آن که علی‌رغم فقدان سابقه طولانی، شاخه‌هایی همچون حقوق حریم خصوصی را پدیدار ساخته است (Diffie and Eva Landau, 2007, p126) - هر چند گام‌های مثبتی تلقی می‌شوند- لکن آثار وضعی آن همچون دشواری کشف حقایق و کثرت شبهه و اقسام جهل را به نیز به ارمغان می‌آورند.

بر این پایه، مطالعه تطبیقی زوایای متعدد جهل به عنوان مقوله‌ای ذهنی و به تعبیر برخی صاحب‌نظران، غیر وجودی (عدم علم)^۲، در راستای رسالت نهایی دانش حقوق تلقی می‌گردد. همچنین پایه‌ریزی حقوق موضوعه ایران بر اساس میانی فقه امامیه (کاتوزیان، ۱۳۸۳، ص ۲۱۷) که به عنوان گنجینه‌ای نفیس مکمل آن محسوب می‌گردد (آقایی نیا، ۱۳۸۶، الف، ص ۱۴) از یکسو و طرح بی‌شمار پدیده جهل یا اشتباه در آراء متعدد محاکم کیفری به گونه‌ای که کمتر پرونده‌ای را می‌توان یافت که در آن اثری از این پدیده نباشد (Sprack, 2006 p. 490) از سوی دیگر، مطالعه این امر را که خود دارای منشأهای متعدد است- به طوری که گاه موجب عدم مسئولیت می‌گردد (Ormerod, 2007 pp. 99,100) و گاه فاقد چنین اثری هستند (Ormerod, 2005, p.291)- از اهمیتی ویژه برخوردار خواهد ساخت.

همچنین با عنایت به خلاء موجود در زمینه پژوهش مقارنه‌ای در خصوص جهل بسیط و آثار آن به طور کلی و بالخصوص در گستره حقوق ایران، آمریکا و فقه امامیه که نه تنها در کتاب‌های حقوقی که حتی در کتاب‌های فقهی نیز به ندرت به طور جامع و تطبیقی مطالعه و بررسی شده است.^۳ اهمیت مطالعه این موضوع به ویژه با نظر به تاثیر گذاری جدی آن در

۱. جرم شناسی در تعریفی مختصر عبارت است از دانش مطالعه ماهیت، گستره، علت و کنترل رفتار کیفری siegel, 1997, p554.

۲. لیس الجهل الا عدم العلم ممن له الاستعداد للعلم، المظفر، ۱۳۸۱، ص ۲۹.

۳. به عنوان نمونه بنگرید به عاملی، ۱۴۱۹، ج ۹، ص ۶۰۹ و شیخ طوسی، بی تا، ج ۸، ص ۲۴۶.

ارکان سازنده بسیاری از جرایم^۱ و آثار مثبت پذیرش موجه بودن آن در کاهش تورم جمعیت کیفری ایران (زهروی، ۱۳۸۶، ص ۱۶۳)، آمریکا و فقه امامیه کاملاً آشکار است.

در این راستا، نگارندگان در این مقاله می‌کوشند از رهگذر شرح و تبیین جهل بسیط و اقسام آن و تبیین تعامل آن با جهل مرکب ضمن اشاره به چگونگی تاثیر گذاری آن در مسئولیت مرتکب به تفکیک در هریک از جرایم عمدی و غیر عمدی و نیز عناوین خاص منطبق بر جهل بسیط (همچون conditional intention...) زمینه بررسی تطبیقی موضوع را در سه گستره حقوق ایران، فقه امامیه و حقوق آمریکا فراهم آورده و در نهایت جمع‌بندی و استنباط از مطالب ارائه گردد.

۲- معنا شناسی جهل

واژه جهل در معنای لغوی خود به معنای نادان بودن (معین، ۱۳۳۰، ص ۱۲۵۹) و بی‌خردی (عمید، ۱۳۶۳، ص ۴۶۶) است. همین واژه در زبان عربی به عنوان تقيض علم به معنایی تقریباً مترادف معنای فارسی آن تلقی می‌گردد (فراهیدی، ۱۴۰۹، ق، ج ۳، ص ۳۹۰)^۲ با این تفاوت که ظرافت بیشتر تعریف آن در علوم اسلامی با اضافه کردن «عدم علم» به عبارت «در مورد کسی که مستعد و متمکن از آن باشد» قابل مشاهده است، زیرا جمادات را نه جاهل و نه عالم می‌توان نامید (المظفر، ۱۳۸۱، ص ۲۹).

در مقابل در لاتین از این معنا با واژه "ignorare" تعبیر می‌گردد؛ ریشه‌یابی این واژه حاکی از آن است که به معنای «ندانستن» و «توجه نکردن» بوده که ترکیبی از پسوند منفی ماخوذ از ستاک- gno «منشا غایی narrate به معنای know بوده که از این لغت لاتینی، واژه ignore به معنای نادیده گرفتن - توجه نکردن - اعتنا نکردن گرفته شده^۳ و معادل‌هایی همچون ignorance, unawareness, nescience در زبان انگلیسی برای آن یاد گردیده است (آریان پور کاشانی، ۱۳۸۱، ج ۲، ص ۱۱۷۶).

۱. جهل مرتکب به موهن بودن رفتار ارتكابی در جرم توهین یا جهل وی به بی‌گناهی طرف افترا در جرم افترای عملی یا جهل به حضور انسانی در اطاقی که متهم درب آن را قفل نموده است در جرایم علیه آزادی تن تنها برخی مصادیق آن محسوب می‌شوند؛ بنگرید به آقایی نیا، ۱۳۵۸، به ترتیب صص ۳۲، ۱۳۰، ۱۴۸.

۲. بندهی آنم که ز جهلم برهاند... (حافظ).

۳. خلیل بن احمد الفراهیدی، لغت شناس بی نظیر شیعه، متوفی ۱۷۵ق.

۴. صورت اول شخص جمع آن ignoramus به معنای "ما نمی‌دانیم" در سده ۱۶ میلادی در اصل به مثابه اصطلاحی حقوقی در زبان انگلیسی به معنای «نادیده می‌گیریم» استعمال می‌گردید و هیئت منصفه عالی از آن در رد اتهامی به دلیل فقدان مدارک لازم استفاده می‌نمود و از سده ۱۷ میلادی به بعد بود که لغت مذکور به معنای «شخص ناآگاه یا غافل» به کار رفت؛ برای مطالعه بیشتر بنگرید به آیتو، ۱۳۸۵، ص ۶۸۴.

بر این پایه مقصود از جهل در اصطلاح حقوقی نیز وضعیت ذهنی شخص (اعم از قاضی، متهم و غیره) نسبت به موضوعات بیرونی یا عناصر مندرج در قانون است به نحوی که آثار حقوقی که در شرح هر یک از این اقسام، به تفصیل بدان اشاره می‌گردد، (علی‌رغم عدم کارایی قانون با شرط علم به قانون^۱) بر آن ترتب یابد.

۳- اقسام جهل‌های متهم

جهل با معنای یاد شده بر محوریت معیارهای گوناگون، موضوع تقسیم‌بندی‌های متعددی قرار گرفته است. جهل حکمی، جهل موضوعی، جهل بسیط، جهل مرکب، جهل تصویری، جهل تصدیقی صرفاً برخی از اقسام این تقسیم می‌باشد که در ذیل بنا بر ضرورت به برخی از آنان اشاره می‌گردد.

گاه جهل را به اعتبار اینکه موضوع آن حکم قانون‌گذار است با عنوان جهل حکمی در مورد کسی به کار می‌برند که از قانون مربوطه ناآگاه است (لفیو، ۱۳۷۹، ص ۶)؛ همین شخص چنانچه حکم قانون‌گذار را بداند اما به دلایلی همچون تاریکی، عجله، ترس و... از موضوع بیرونی که مصداقی از آن می‌باشد، بی‌خبر باشد، دارای جهل موضوعی است؛ جهل موضوعی خود در یک تقسیم‌بندی به جهل مفهومی و مصداقی و در طبقه بندی دیگر بر حسب اینکه متعلق آن چه چیزی است تقسیم دیگری می‌پذیرد (به عنوان مثال در حقوق آمریکا) گاه شخص اصل وجود موضوع «فروش بودن عمل» (sale) را نمی‌داند؛ گاه متعلق موضوع «فروش مشروب الکلی» را و گاه فید متعلق موضوع «فروش مشروبات الکلی» به پلیس حین انجام وظیفه را نمی‌داند. همچنین جهل را به اعتبار تقابل آن با علم به اقسامی همچون جهل وهمی، جهل شکی، جهل توأم با گمان^۲، تقسیم کرده‌اند. همین طور جهل با معیاری دیگر به جهل مرکب (double ignorance, utmost ignorance) و جهل بسیط (simple ignorance, unalloyed ignorance) تقسیم گردیده است.

۴- جهل بسیط و مرکب متهم و تعامل آن‌ها با اشتباه

جهل مرکب که در فارسی با «نادانی کامل» از آن یاد شده (معین، ۱۳۶۰، ص ۱۲۵۹) در اصطلاح عبارت است از اینکه انسان چیزی را نداند و خودش به جاهل بودن خویش نسبت به آن، ناآگاه باشد بلکه می‌پندارد که از مطلعین به آن می‌باشد (المظفر، ۱۴۰۰، ج ۱، ص ۲۰) و بنابراین

۱. برای مطالعه بیشتر در این زمینه بنگرید به: (حسینی، ۱۳۸۳، ص ۱۱۴).

۲. ظن و گمان به اصطلاح منطبق عبارت است از اینکه مفاد یک خبر یا عدم آن در نظر شخص رجحان داشته باشد، در حالی که طرف مقابلش نیز احتمال داده می‌شود. المظفر، ۱۳۸۱، ص ۲۹.

نمی‌داند که نمی‌داند^۱ و در مقابل این معنا جهل بسیط به معنای این است که انسان چیزی را نداند در حالی که به نادانی خود واقف است و لذا می‌داند که نمی‌داند (المظفر، ۱۴۰۰، ص ۱۹) به بیان دیگر جاهل بسیط از نظر علم به جهل خویش عالم است اما جاهل مرکب از این منظر نیز نادان می‌باشد یعنی به جهل خویش جاهل است به عنوان مثال چنانچه متهم بداند که ناآگاه است جاهلی از نوع بسیط تلقی می‌گردد و بر حسب ویژگی خود در یکی از اقسام جهل بسیط که در ذیل شماره (۳-۴) مقاله خواهد آمد می‌گنجد. جهل بسیط با مفهومی که تبیین گردید با اشتباه و اقسام آن از تعاملی خاص برخوردار می‌گردد که شرح آن می‌تواند به روشتر شدن بهتر موضوع مقاله " جهل بسیط مرتکب " بیانجامد، براین پایه این موضوع را نیز در دو بخش مفهومی و مصداقی پی می‌گیریم.

۱-۴- جهل بسیط و اقسام آن

جهل بسیط یعنی جهل توأم با آگاهی به جهل خود را می‌توان بر محور چگونگی تعلق آن و اینکه به موضوع بیرونی مربوط می‌گردد یا به حکم قانون‌گذار، به جهل بسیط حکمی و جهل بسیط موضوعی تقسیم کرد؛ عنوانی که به نوعی در لایحه قانون مجازات اسلامی^۲ نیز بدان اشاره شده است^۳ و به طور خلاصه جهل بسیط با مفهوم گفته شده چنانچه مربوط باشد به جهل متهم به حکم قانون‌گذار اعم از حکم قانون به جرم بودن، نوع مجازات، میزان کیفر و... ما با جهل بسیط حکمی مواجه می‌باشیم و در صورتی که متهم با وجود علم به حکم قانون‌گذار، نسبت به اموری همچون ماهیت قربانی یا وصف او یا شرایط پیرامون جرم مثل در حرز بودن یا نبودن مال در سرقت، دارای جهل از نوع بسیط باشد با مصادیقی از جهل بسیط موضوعی مواجه هستیم که این اقسام جهل بسیط با توجه به جرایم مختلف بر حسب طبقه‌بندی گوناگون آن بر حسب تفصیلی که خواهد آمد دارای تعاملی خاص می‌باشد. در این راستا، صرف‌نظر از تعاریف و توصیفات که درباره طبقه‌بندی مختلف جرایم به لحاظ عناصر مادی یا قانونی و... صورت می‌پذیرد^۴ مقصود ما در اینجا صرفاً بررسی تعامل اقسام جهل با جرایم عمدی، غیرعمدی، جرایم شبه عمد و نیز برخی مصادیق خاص دیگر است و چنانچه

۱. [... در جهل مرکب ابدالدهر بماند ... shall remain utter ignorance for ever] .

۲. مبنای تحلیل مواد این لایحه در این مقاله، لایحه منتشر شده با همکاری دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران است که توسط فصلنامه پژوهشی مجد شماره دوم به طور رسمی منتشر گردیده است.

۳. هر چند این اشاره قانون‌گذار همان‌طور که خواهد آمد دارای ابهام و اشکال است بنگرید به ماده (۶-۱۴۳) لایحه قانون مجازات اسلامی.

۴. برای مطالعه در این زمینه بنگرید به آقای نیل، ۱۳۸۶ (ب)، ص ۱۳۸ و اردبیلی، ۱۳۸۲، ص ۲۵۸ به بعد.

مبرهن است این تعامل دارای آثار متعدد به لحاظ گستره مختلف ایران، آمریکا و فقه امامیه خواهد بود.

۲-۴- تعامل مفهومی جهل بسیط و اشتباه

مفهوم جهل بسیط در شماره ۴ مقاله بیان گردید و اما مقصود ما از واژه اشتباه در این مقام که به لحاظ لغوی در زبان فارسی معادل شک و خطا (عمید، ۱۳۴۳، ص ۱۴۲) و در عربی برابر شبهه (فراهیدی، ۱۴۰۹، ج ۳، ص ۴۰۴) و در انگلیسی مساوی mistake تلقی می‌گردد تنها اشتباه ذهنی مرتکب است، نه اشتباهات دیگر همچون اشتباه در نشانه روی^۱ و امثال آن هنگامی که ناشی از عدم مهارت متهم باشد چرا که بدیهی است جهل به عنوان یک پدیده ذهنی رابطه‌اش با چنین اشتباهی متباین است و این تنها اشتباه ذهنی مرتکب همچون اشتباهات موضوعی وی نسبت به هویت یاسایر شرایط و اوضاع و احوال اطراف یا ابزار و آلات به کار گرفته شده و یا اشتباهات حکمی وی نسبت به اموری همچون ممنوعیت قانونی هستند که می‌توانند سبب تداخل و تعامل بیشتر با جهل بسیط گردند؛ ناگفته نماند انقسام شبهه به موضوعی و حکمی علاوه بر فقه امامیه و حقوق ایران، در حقوق خارجی نیز پذیرفته شده لکن تقسیم مزبور به اذعان خود آنان به دقت و با تعیین ضابطه‌ای منضبط آن‌گونه که گستره‌شان خلط نگردد صورت نپذیرفته است^۲ و مزیت فقه و اصول امامیه از این منظر نسبت به برخی اسناد بین‌المللی نیز چنانکه برخی در تبیین ضعف ضابطه این انقسام در اساس نامه ICC نگاهشته‌اند (میر محمد صادقی، ۱۳۸۳، ص ۱۹۵) قابل اثبات است.^۳

براین پایه، به لحاظ مفهومی، همه اقسام اشتباهات ذهنی متهم حداقل از دو جزء ذهنیو تشکیل یافته‌اند: جزء نخست: فقدان تصور یا تصدیق صحیح از موضوع همچون اینکه هویت قربانی را (به عنوان مثالی از جهل موضوعی) نمی‌داند، یا اینکه نمی‌داند عکس گرفتن از کارت‌های شناسایی به گونه‌ای که سبب اشتباه با اصل شود جرم محسوب می‌شود (به عنوان مثالی از حکم) و جزء دوم: تصور جانشین و جایگزینی که به طرز نادرست، جایگزین تصور صحیح گردیده است (مثلاً معتقد است قربانی مهدور الدم است یا در مثال اخیر آن اعتقاد جایگزین که آن کار یعنی عکس گرفتن از کارت شناسایی را جایز می‌داند). بر این اساس وجوه اشتراک و افتراق جهل و اشتباه به لحاظ مفهومی بدین گونه ترسیم می‌گردد که هر دو از این منظر که از مقولات ذهنی متهم هستند و بر واقع انطباق ندارند، مشترک‌اند لکن وجه افتراق

1- For this purpose see: Lafve, 2000, p299.

2- "Identifying whether the mistake is one of criminal law or fact is not always easy, for example ..." see: ormerod, 2005, p. 294.

۳. برای مطالعه تفصیلی بنگرید به زهروی، ۱۳۸۴، صص ۳۸ و ۳۹.

که جلوه‌ای بیشتر نیز می‌نماید عبارت است از اینکه جهل بسیط همان‌گونه که از عنوان و مفهوم آن در قسمت پیشین مقاله (معنا شناسی جهل) مبرهن است، صرفاً از یک جزء غیر مرکب " ندانستن" تشکیل می‌شود؛ حال آنکه اشتباه با مفهوم گفته شده اولاً همچون جهل مرکب دارای دو جزء است بلکه می‌تواند عیناً مصداقی از آن تلقی گردد، ثانیاً تصور جایگزین که در فرض اشتباه برای شخص پدیدار می‌گردد اصلاً برای جاهل بسیط مطرح نمی‌شود. براین پایه دو گانگی واژگان ignorance با mistake در حقوق آمریکا^۱ و نیز دو اصطلاح شبهه و جهل در فقه امامیه می‌تواند در راستای همین تبیین تلقی گردیده و به روشنی بیانگر این است که جهل بسیط به لحاظ مفهومی از اشتباه ذهنی مرتکب کاملاً متمایز و مستقل است.

۳-۴- تعامل جهل بسیط و اشتباه از منظر مصداقی

جهل بسیط (simple ignorance) و اشتباه با مفهوم بیان شده به لحاظ مصداقی نیز تعامل قابل تامل را برای محقق فراهم می‌آورند، بر این پایه ضمن بیان مصداق‌هایی از این نوع اشتباه در قالب مثال تلاش می‌نماییم تا تعامل مصداقی این دو به شکلی گویا تبیین گردد. در نگاه نخستین، هنگامی که شخصی با اشتباه در موضوع مثلاً سمی کشنده را به جای دارو به قربانی داده یا شخص محقون‌الدمی را مهدور‌الدم دانسته (آقایی نیا، ۱۳۸۶، ص ۱۲۲) و یا با اشتباه در حکم قانون گزار همچون شخصی که نمی‌داند ضرب سکه غیر مشابه سکه رایج چنانچه موجب اشتباه برخی اشخاص گردد نیز ممکن است جرم تلقی گردد (پیمانی، ۱۳۸۰، ص ۹۷)^۲ مورد ملاحظه قرار گیرند ممکن است تصور شود که این اشخاص دچار اشتباه، می‌توانند جاهل بسیط نیز تلقی شوند و در موضوع مقاله داخل فرض گردند. با این وصف، چنانچه در اجزا و عناصر جهل بسیط و اشتباه که چهارچوب آن بیان شد بازکاوی دقیق صورت گیرد، معلوم می‌گردد که این اشخاص که البته یقین آنها نباید در اثر مقدماتی باشد که مرتکب در آنها دارای تقصیر و کوتاهی است (صفری و زهروی، ۱۳۸۸، ص ۱۹۷)، حداکثر با فرض پذیرش اشتباه آنها چنانچه با اماره و قرینه بتوانند یقین^۳ خود را به اثبات رسانند (آقایی نیا، ۱۳۸۶، الف، ص ۱۲۲) می‌توانند به عنوان مصداقی از جاهل مرکب و نه جهل بسیط

1- See: model penal code and explanatory notes, 1985, pp26,27.

۲. برای دیدن نظر مخالف بنگرید به میر محمد صادقی، ۱۳۸۲، ص ۳۴۰، ایشان در مثال مذکور قلب سکه را منتفی می‌داند.
 ۳. یقین اصطلاحاً عبارت است از جزم و اعتقادی که شخص احتمال خلاف آن را نمی‌دهد. مظفر، ۱۴۲۳، ج ۳، ص ۲۳. و در بحث ما «یقین» به جهل مرکب انطباق می‌یابد، زیرا فرض بر این است که در واقع عمل متهم ممنوع است، برای دیدن نظر مخالف بنگرید به محقق داماد، ۱۳۸۱، ص ۵۲ ایشان از همین معنا بدون ذکر معیار تسمیه با تعبیر " جهل بسیط" یاد نموده است.

تلفی گردند؛ چه هر چند به محض اینکه در اعتقاد وی به مهدور الدم بودن در مثال نخست یا جرم نبودن در مثال اخیر، کوچک‌ترین تردیدی رسوخ نماید، وی دارای جهل بسیط می‌باشد لکن دیگر چنین شخصی دارای اشتباه قابل قبول محسوب نمی‌شود.

بنابراین، معلوم می‌گردد علاوه بر جنبه مفهومی، به لحاظ مصداقی نیز جاهل بسیط (The man with unalloyed ignorance) مستقل از فرد دچار اشتباه می‌باشد و در نتیجه چنین فردی از آثار و مقارنه آتی ما که در خصوص جهل بسیط می‌باشد، خارج است.

۵. جهل بسیط موضوعی در جرایم عمدی

با اغماض از تعاریف و توضیحات گونه‌گون درباره عمد و اجزاء تشکیل دهنده آن و شروط تحقق آن که در گستره حقوق کیفری ارائه می‌گردد^۱ و بحث در خصوص آن مجال خود را می‌طلبد، در این عنوان مقصود ما صرفاً معطوف به افعال یا ترک افعالی است که عنصر روانی ضروری آن جهت تحقق جرم، قصد متهم است، از این رو مصداقی همچون قتل عمد که مواد ۲۰۶ قانون مجازات اسلامی یا واژگانی همچون «عامداً» در ماده ۵۵۱ قانون مجازات اسلامی یا «عمدی» در ماده ۹-۱۵۴ لایحه ق. م. ا «عمدا» در ماده ۶۷۵ قانون مجازات اسلامی و نیز «به عمد» در ماده ۶۷۹ همین قانون بر آن منطبق می‌گردند.

بر این پایه، برخلاف جهل مرکب (اشتباه ذهنی) یا اشتباه در نشانه روی که آموزه‌های متعدد را به خویش اختصاص داده‌اند^۲، جهل بسیط با مفهومی که تبیین گردید به لحاظ نحوه تاثیرگذاری‌اش بر جرایم عمدی، گستره‌ای نوین از آموزه‌ها را رقم می‌زند؛ مصداقی همچون راننده‌ای که عمداً اتومبیل خویش را با قصد ایراد خسارت به اتومبیل دیگری که در کنار خیابان متوقف است می‌کوبد و علی‌رغم تردیدی که نسبت به اینکه شخصی در صندلی عقب خوابیده باشد (جهل بسیط موضوعی) عمل او سبب کشته شدن وی می‌گردد یا معماری که در طبقه دوم ساختمان دچار سگته قلبی می‌شود و کارگری که در آن طبقه مشغول کار است، با توجه به سابقه درگیری با وی، از ترس اینکه مبدا مرگ معمار را به او نسبت دهند و با وجود تردید به زنده بودن وی (مصداقی از جهل بسیط موضوعی) او را به پائین پرتاب می‌کند یا پزشکی که علی‌رغم تردید در فوت مصدوم، اجازه دفن وی را صادر نموده است همچنین ضاربی را تصور کنید که پس از صدمه عمدی غیر کشنده که بدون قصد قتل به قربانی وارد کرده و پس از تردید در زنده بودن وی به منظور فرار از تعقیب، قربانی را به رودخانه‌ای انداخته که پس از تحقیقات علت مرگ خفگی در آب اعلام گردیده است. البته بدیهی است

۱. بدین منظور می‌توانید بنگرید به اردبیلی، ۱۳۸۰، صص ۲۳۴ الی ۲۴۰.

۲. برای مطالعه تفصیلی در این موضوع بنگرید به آقای نی، ۱۳۸۳، صص ۲۶ الی ۳۷.

اگر در اینجا بجای جهل بسیط موضوعی که در قالب یکی از مصادیق آن یعنی (تردید) بیان گردید^۱ با اشتباه (جهل مرکب) متهم مواجه بودیم، مساله‌ای چندان تازه نبود، چه موضوع توسط اساتید مطرح گردیده و مورد بحث و نظر واقع گردیده است^۲ با این وصف و علی‌رغم فقدان نظریه صریحی که به موضوع مورد بحث در این گستره پرداخته باشد (گلدوزیان، ۱۳۸۰، صص ۳۵۵ و ۳۵۶). به نظر می‌رسد لاقلاً در برخی از مصادیق آن بدلیل فقدان عنصر ضروری علم به موضوع در آن که با وجود جهل بسیط دچار خدشه گردیده است، تحقق جرم عمدی متفی می‌گردد و البته چنانچه موضوع جهل بسیط حکمی بود می‌توانستیم از لایحه قانون مجازات و مقررات تازه آن در این زمینه در حقوق ایران استفاده نمود ولی لحاظ جهل بسیط موضوعی این لایحه ساکت و مبهم است (بنگرید به ماده ۶-۱۴۳، لایحه ق م.ا).

در فقه و اصول امامیه میان این مصادیق تفاوتی بنیادین قایل می‌شوند به گونه‌ای که حسب مجرای هر یک از اصول عملیه پاسخ متفاوتی ارائه می‌شود^۳ و در واقع باید دید شک و تردید متهم موضوع کدام یک از اصول مزبور را می‌سازد. به عنوان نمونه در مثال فوق، پزشک صادر کننده دستور دفن منجر به مرگ چنانچه تردید وی در زنده بودن قربانی، بتواند موضوع استصحاب قرار گیرد وی گناهکار تلقی می‌شود برخلاف شخص راننده در مثال نخست که شک وی در قلمرو اصل براءت یا اصل عدم اذلی می‌تواند بگنجد. در حقوق آمریکا هر چند در خصوص اشتباه ذهنی (جهل مرکب) طبق ضوابط مشخص شده همچون انتفاء عنصر معنوی جرم بر اثر جهل مرکب اعم از اینکه اشتباهات متعارف باشد یا نباشد مورد پذیرش قرار گرفته است (لفیو، ۱۳۷۹، ص ۱۰) لکن در مصادیق جهل بسیط موضع و رویه چندان واضحی مشاهده نگردید.

۶. جهل بسیط موضوعی در جرایم شبه عمد

اصطلاح جرم شبه عمد که در قالب مصادیق گوناگون همچون قتل یا جرح در ق. م.ا، به یک معنا بکار رفته است (آقایی نیا، ۱۳۸۶، الف) ص ۱۷۲) مورد استنباط‌های گوناگون حسب نظر صاحب‌نظران واقع شده است. لکن قانون‌گذار با صرف‌نظر از دیدگاه‌های مختلف فقهی و حقوقی در ضمن تعریف قتل این نوع از جرایم را نیز مشخص نموده و به همه اختلاف نظرها

۱. سایر مصادیق جهل بسیط موضوعی نیز همچون وهم وطن نیز دارای چنین اثری تلقی می‌گرداند برای دیدن ادله این مدعی بنگرید به: انصاری، ۱۴۲۴ ج ۱، ص ۱۲۵-۱۲۶، خمینی ۱۴۱۸، ج ۶، ص ۴۱۷- محمدی، ۱۳۸۳، ص ۳۸۱-المظفر، ۱۴۲۳، ج ۳، ص ۱۸.

۲. برای نمونه بنگرید به آقایی نیا، ۱۳۸۶، الف، ص ۶۶ ایشان عمدی بودن جرم را با قید اشتباه که به جهل مرکب منطبق می‌گردد بحث نموده و جرم را تنها در مثال اخیر محقق می‌شمارد.

۳. برای مطالعه تفصیلی موضوع این اصول بنگرید به، خمینی، ۱۴۱۸ و زهروی، ۱۳۸۴، ص ۵۹ الی ۷۱.

پایان داده است و لذا هر تعریفی که با قانون منطبق نباشد قابل استناد در آراء نخواهد بود. این تعریف قانونی که البته در قالب جرم قتل و جرح و... بیان شده عبارت‌اند از قتل یا جرح یا نقص عضو که به طور خطا شبیه عمد واقع می‌شود و آن در صورتی است که جانی قصد جنایت را نسبت به مجنی علیه نداشته باشد مانند آنکه کسی را به قصد تادیب به نحوی که نوعاً سبب جنایت نمی‌شود بزند و اتفاقاً موجب جنایت گردد یا طبیعی‌تاً بیماری را بطور متعارف معالجه کند و اتفاقاً سبب جنایت بر او شود.

بنابراین، بویژه با عبارت و سیاق کلی ابتدای این بند (... یا ... یا) از قانون مجازات اسلامی (بند ب ماده ۲۹۵) مقصود از جرایم شبه عمد معین گردیده است، بر این پایه با توجه به آنچه در مورد چگونگی تاثیر جهل بسیط در جرایم عمدی گفته شد در اینجا جهل بسیط در حقوق کیفری ایران در جرایم شبه عمد نیز عیناً تاثیرگذاری مشابه آثار جهل بسیط در جرایم عمدی می‌گذارد زیرا در هر دو نوع (علم به موضوع) که از ارکان تحقق جرم محسوب می‌شود بواسطه جهل بسیط مخدوش می‌گردد تا آنجا که گفته شده اساساً اصطلاح شبیه عمد در مورد این نوع از جرایم بدین جهت بکار می‌رود که وجه شبه آن با عمد در همین مساله (علم به موضوع و قصد در رفتار نسبت به مقتول) می‌باشد (آقایی نیا، ۱۳۸۶، الف)، ص ۱۷۳^۱.

لایحه قانون مجازات اسلامی نیز در این زمینه بطور مطلق سهل انگاری منجر به جرم را که در اثر اشتباه پدیدار گردد مشمول مجازات‌های غیر عمد بر شمرده است (ماده ۶-۱۴۳) در فقه امامیه نیز که اساساً به عنوان مبنای چنین مباحثی در قانون مجازات اسلامی تلقی می‌گردد نیز چنین تاثیری قابل مشاهده است، چه در تمامی مصادیق شبه عمد، علم به موضوع ضروری می‌نماید^۲. حقوق کیفری آمریکا به جهت عدم پذیرش چنین اقسامی (از شبه عمد) در این خصوص با حقوق کیفری ایران و فقه امامیه رابطه‌ای متباین دارد.

۷. جهل بسیط موضوعی در جرایم خطا محض

با اغماض از اشکالاتی که از اساس به وجود چنین جرایمی در گستره حقوق کیفری به انحاء متعدد وارد گردیده که معادل انتقاداتی است که علیه جرایم با مسوولیت مطلق در حقوق لاتین مورد ملاحظه است^۳، خطا محض عنوانی است که در قالب جرم قتل و جرح ... در بند الف ماده ۲۹۵ قانون مجازات اسلامی استعمال گردیده است. بر اساس این بند (قتل یا

۱. نگارنده با عبارت، به تصور اینکه طرف مربوط انسان نیست یا مرده است؛ صرفاً از جهل مرکب مثال آورده و وجه شباهت

عمد و شبه عمد را ۱- علم به موضوع و ۲- عمد در عمل نسبت به موضوع معین می‌داند.

۲. به عنوان نمونه بنگرید به نجفی، ۱۴۰۴، ج ۲، ص ۳ و نیز شهید ثانی، ۱۳۹۶، ج ۱۰، ص ۱۷.

۳. برای مطالعه تفصیل اظهارات علیه این نوع مسئولیت تحت عنوان "Arguments against strict liability".

see: Elliott and Quinn, 2000, p. 33

جرح یا نقص عضو که به طور خطاء محض واقع می‌شود و آن در صورتی است که جانی نه قصد جنایت نسبت به مجنی علیه را داشته باشد و نه قصد فعل واقع شده بر او را مانند آنکه تیری را به قصد شکاری رها کند و به شخصی برخورد نماید).

بر این پایه، رکن معنوی این نوع از جرایم شامل گزاره‌های ذیل می‌گردد: ۱. خطاء در فعل و نتیجه ۲. ارادی بودن عمل (به عنوان دو رکن وجودی) ۳. فقدان قصد فعل نسبت به قربانی و قهرآفقدان قصد نتیجه ۴. فقدان اشتباه در هویت (به عنوان دو رکن عدمی). (آقایی نیا، ۱۳۸۶ الف)، صص ۱۷۵ الی ۱۷۷). به عبارت دیگر، اشتراک جرایم شبیه عمد با جرایم موسوم به خطاء محض در فقدان قصد نتیجه (رکن عدمی) و وجه افتراق آن دو در وجود قصد فعل نسبت به مجنی علیه (رکن وجودی) در اولی و فقدان آن در دومی است (آقایی نیا، ۱۳۸۶ الف)، صص ۱۷۸). در نتیجه اشتباه متهم در انسان بودن هدف مصادق بارز این نوع جرم می‌باشد که در قالب قتل بیان شده است مانند اشتباه شکارچی در اینکه انسانی را شکار پنداشته است با این وصف بدیهی است که با وجود تردید در وصف موضوع توسط متهم (مصادقی از جهل بسیط)، رکن اول عدمی از ارکان مشارالیه منتفی می‌گردد به بیان ساده‌تر اشتباه در انسان بودن هدف با جهل بسیط تطابق ندارد.

در حقوق آمریکا چنانچه جرم از جرائمی باشد که با مسؤولیت مطلق تلقی می‌شوند و در واقع بتواند با جرائم مورد نظر ما در این بخش تطابق یابد نیز صرف نظر از انتقادات مطرح به وجود چنین جرایمی به نظر می‌رسد جهل بسیط بر تحقق آن بی‌تأثیر است و مهم‌ترین استدلال بر این مطلب این است که در چنین مصادیقی جهل مرکب (اشتباه ذهنی متهم) به لحاظ تأثیرگذاری بر تحقق جرم ناکافی است (لفیو، ۱۳۷۹، صص ۱۴) و نمی‌تواند مانع تحقق جرم گردد پس به طریق اولی جهل بسیط که متهم جاهل از هوشیاری بیشتر - نسبت به جهل مرکب - بهره‌مند است نیز در انتفاء جرم بی‌تأثیر خواهد بود. چه متهم در این مصادیق به جهل خویش آگاه است و این التفات وی به جاهل بودن خویش گزاره‌ای است افزون بر آنچه که در جهل مرکب مطرح است پس قطعاً مانع مسؤولیت وی نخواهد گردید.

۸- جهل بسیط موضوعی در جرایم غیر عمد

مقصود ما در اینجا از جرائم غیرعمدی صرفاً مصادیقی همچون قتل موضوع ماده ۶۱۶ قانون مجازات اسلامی و امثال آن است نه هر جرم غیر عمودی دیگری که می‌تواند در قالب عناوین سابق یا لاحق بگنجد. بر این پایه، این‌گونه جرائم علاوه بر دیگر عناصر سازنده جرم (constituent elements of crime) به لحاظ عنصر معنوی نیازمند تقصیر متهم اند (آقایی نیا، ۱۳۸۶ الف)، صص ۱۸۴) لکن چنانکه می‌دانید در احراز تقصیر متهم نیازی به اثبات علم متهم به موضوع

نیست و معیار مطرح در نزد قانون‌گذار معیاری نوعی محسوب می‌گردد و نه شخصی و بدین لحاظ آگاهی یک انسان متعارف ملاک ارزیابی خواهد بود و این همان چیزی است که فرض می‌گردد و گویی چنین قضاوت می‌شود که چون یک انسان متعارف در چنین شرایطی می‌دانسته است او نیز آگاهی داشته و یا بهتر بگوییم باید مطلع می‌بوده، هر چند جهل خود را اثبات کند. (آقائی نیا، ۱۳۸۶، ص ۱۸۷). براین پایه، جهل بسیط متهم در چنین جرائمی قطعاً بی‌تاثیر است. چرا که مسلماً وقتی جهل مرکب (یعنی اشتباه ذهنی متهم) نتواند از تحقق این جرم ممانعت نماید جهل بسیط قطعاً بلا‌تاثیر تلقی می‌گردد و چه بسا به همین دلیل لایحه قانون مجازات اسلامی مقرر داشته است که چنانچه در مقدمات سهل‌انگاری و بی‌احتیاطی محرر گردد متهم مشمول مجازات جرائم غیر عمدی می‌گردد (بنگرید به ذیل ماده ۶-۱۴۳ لایحه مجازات) بدین ترتیب می‌توان گفت این لایحه هرچند نه به صراحت و ظهور لکن به نحو اشعار^۱ تاثیرگذاری جهل را در جرائم غیر عمدی منتفی شمرده است.

تاثیرگذاری جهل بسیط از منظر فقه امامیه نیز در این‌گونه جرائم با توجه به مجاری اصول عملیه (استصحاب، برائت، تخییر، اشتغال) قابل ترسیم است؛^۲ به عنوان نمونه، چنانچه شخصی با بی‌احتیاطی نسبت به موضوعی که دارای سابقه معتبر و ممنوع بوده است مثلاً بطری را که در آن شراب بوده به صرف احتمال اینکه شخص ثالثی آن را خالی کرده و مایع حلالی را جایگزین آن نموده، بنوشد (چنانچه سایر شرایط موضوع استصحاب نیز محقق باشد) مقصر تلقی می‌شود لیکن همین شخص چنانکه از سابقه آن بطری بی‌اطلاع باشد و در نتیجه بدو شک در جایز بودن شرب آن کند موضوع برائت قرار گرفته و مقصر تلقی نمی‌گردد. در حقوق آمریکا چنانچه جرم از جرائمی باشد که مستلزم تقصیر است و در واقع بتواند با جرائم غیر عمدی مورد نظر ما در این بخش تطابق یابد با معیاری ترکیب‌گونه از دو گزاره: ۱. متعارف بودن پندار مرتکب. ۲. انتفاء عنصر معنوی جرم مربوطه، مواجه خواهیم بود. (لفیو، ۱۳۷۹، ص ۱۱).

۹- جهل بسیط در شکل جهل ارادی (wilful Blindness)

تمایل اشخاص به آگاهی و حقیقت‌جویی گاه به طرز جالب و البته ارادی معکوس می‌گردد و شخص تمایل می‌یابد که در نادانی و غفلت باقی بماند^۳ بگونه‌ای که این شوق و انگیزه وی را علی‌رغم آگاهی خویش به جهالت خود (جهل بسیط) و با وجود سوء

۱. اشعار درجه‌ای از دلالت است که به حد ظهور نمی‌رسد و لذا به تنهایی حجت محسوب نمی‌شود.

۲. برای ملاحظه تفصیل اصول عملیه بنگرید به: زهروی، ۱۳۸۴، ص ۵۹ الی ۷۱.

"he wishes to remain in ignorance" see: LAFAVE.2000,p.247.

ظنی (suspicion) که برایش نسبت به این که با موضوع و مصادیقی از ممنوعیت و جرم بودن مواجه گردیده از تحقیق خودداری می‌نماید (Lafave, 2000, p247). به عنوان مثال در حقوق کیفری آمریکا در جایی که به متهم برای رانندگی یک کامیون که دارای محموله‌ای مشکوک بوده مبلغ هنگفتی پرداخت می‌شده و مأموریت متهم این بوده است که آن را از مکزیکو به ایالات متحده انتقال دهد و وی به طور عمدی از نگاه کردن به محموله کامیون و تحقیق در این که مواد مخدر است یا خیر خودداری می‌کند (Ibid). بر اساس MPC در حقوق آمریکا این جهل بسیط متهم (یعنی اینکه بداند که به موضوع جهالت دارد) به اندازه‌ای که برای آن جرم عنصر معنوی ضروری را بسازد، وجود دارد بلکه اساساً چنین غفلت عمدی و جهل بسیط به اندازه علم مرتکب دارای تقصیر تلقی می‌گردد (Ibid).

در حقوق کیفری ایران نیز مواردی می‌توان تصور نمود که متهم با وجود قرائن نشان دهنده موضوع عمداً تمایل دارد خود را در غفلت نگه دارد، می‌توان یافت؛ به عنوان نمونه اگر یک مقام قضایی که با وجود علم به عدم اطلاع خویش (جهل بسیط) از تلاش برای یافتن آگاهی و علم به قانون خودداری کند به جرم موضوع ماده ۵۹۷ قانون مجازات اسلامی متهم می‌گردد، یا قاضی را تصور نمایید که عمداً از مطالعه بعضی اوراق پرونده که می‌داند متضمن اظهارات متهم است پرهیز نموده یا شخصی که عمداً علی‌رغم التفات به جهالت خود و با وجود قرائن اطمینان آور به مسروقه بودن اموال به آن قرائن توجه نمی‌کند و اموال مسروقه را مورد معامله قرار می‌دهد (موضوع ماده ۶۶۲).^۱ در فقه امامیه نیز گاه مصادیقی از این نوع جهل بسیط قابل ملاحظه‌اند. صاحب جواهر الکلام زنی را مثال می‌زند که با وجود جهل و نادانی خویش نسبت به وجود عده یا عدم آن قبل از پایان یافتن عده خویش اقدام به ازدواج و زناشویی می‌نماید و امام (علیه السلام) وی را به دلیل عدم توجه و سستی در یادگیری حکم، مسحق کیفر تلقی می‌نماید و با عبارت «هلّا تعلّمت؟» (چرا یاد نگرفتی؟) وی را گناهکار می‌شمارد.^۲ با این وصف در مواردی از مصادیق همچون مثال مشارالیه در حقوق آمریکا که از نوع جهل بسیط موضوعی بوده بر خلاف مثال اخیر، بدلیل اینکه فحص و تحقیق الزامی نیست می‌توان جلوه کیفرزایانه بیشتر در فقه امامیه ملاحظه کرد چرا که در موارد موضوعی فقهای امامیه فحص و تحقیق را ضروری نمی‌شمارند و اصل براءت با سهولت بیشتری می‌تواند جریان یابد.

۱. قانون‌گذار در اینجا ملاک و معیار را بر محور "قرائن موجود" قرار می‌دهد و در نتیجه مصادیق wilful Blindness را مورد مجازات قرار می‌دهد، برای این مدعی کافیت آن را با ماده ۵۵۹ قانون مجازات مقایسه نمایید که صرفاً "علم متهم" نه صرف وجود قرائن معیار قرار گرفته است.

۲. برای مطالعه تفصیلی بنگرید به نجفی، ۱۴۰۴، ج ۲۹، صص ۲۴۵ الی ۲۵۹.

۱۰- جهل بسیط در قالب قصد مشروط (Conditional intention)

صرف نظراً از مصادیق گفته شده یکی از مصادیق جهل بسیط که به نحوی دقیق در حقوق کیفری آمریکا تبیین گردیده است جرائم توأم با قصد مشروط است. شخصی را تصور کنید که مال دیگری را می‌رباید در حالی که قصد دارد آن مال را باز گرداند مشروط به این که برای وی ثابت شود مال متعلق به وی نیست (Lafave, 2000, p. 252, 251).

راه حل MPC در این گونه موارد این است که جهل بسیط وی برحسب اینکه آیا آن موضوع دارای وصف مشروط (و مورد نظر مرتکب) باشد یا نباشد، جرم را محقق یا منتفی خواهد ساخت و در سایر موارد این جهل بسیط نسبت به تحقق جرم بلا تأثیر است. در واقع جهل بسیط (منطبق بر همان تردید مرتکب در مالکیت خویش نسبت به مال در مثال اخیر) در حالی که متهم به عدم آگاهی خویش ملتفت می‌باشد، فقط چنانچه سبب دفع ضرری که قانون‌گذار با تعریف آن جرم در صدد دفع آن است گردد، جرم منتفی خواهد شد لکن در غیر این صورت همچون مصداقی که در آن شخص مال دیگری را می‌رباید در حالی که قصد بازگرداندن مال نسبت به مالک حقیقی آن تنها مشروط به این است که وی مال دیگری برای وی را به ارث بگذارد جرم منتفی نمی‌گردد (Ibid).

در حقوق کیفری ایران نیز با مبنای ضرورت علم به تعلق مال به دیگری سرقت منتفی است^۱ هر چند مقنن به صراحت از قصد مشروط صحبت نکرده است لکن در فقه امامیه که به عنوان منبع مکمل حقوق ایران تلقی می‌گردد^۲ این نوع از جرائم به دلیل آن که شرط تحقق عنصر معنوی آن نسبت به "قصد بازگرداندن" از نوع لابشرط است^۳. جرم می‌تواند همچنان تحقق یابد و سرقت به محض ربایش مال حتی با قصد بازگرداندن آن محقق تلقی می‌گردد گرچه اجرای حد شرایط دیگری نیز دارد.

۱. البته این "علم در قانون ایران تنها در بند پنجم شرایط اجرای حد سرقت آمده است نه تعریف آن. بنگرید به میر محمد صادقی، ۱۳۸۶، ص ۲۳۴.

۲. بنگرید به: اصل چهارم و ۱۶۷ قانون اساسی و در راستای تایید تسری این اصل به مصادیق کیفری بنگرید به ۱۳ آشنوری، ۷۹، ج ۱، ص.

۳. مقصود از لابشرط این است که وجود شرط یا عدم آن تأثیری ندارد، بر خلاف به شرط لا که عدم شیء در آن ضروری است و البته این جرم از این منظر لا به شرط است اما همین جرم نسبت به برخی شروط غیر مرتبط با بحث ما مثل اینکه "سارق پدر صاحب مال باشد" به شرط لا است یعنی عدم آن شرط است. برای مطالعه تفصیلی بنگرید به: مظفر، ۱۴۲۳، ج ۱، ص ۲۲۸.

۱۱- جهل بسیط حکمی

چنانکه می‌دانیم اصولی برای دادرسی و استماع ادله دعوا در آمریکا^۱ و نیز حقوق کیفری اروپایی مطرح است که از جایگاهی رفیع نیز برخوردار است (پرادل و کورستنز، ۱۳۸۶، ص ۴۴) از این رو، اطلاق عبارات گوناگون حقوقی مبنی بر عدم پذیرش جهل حکمی «*ignorantia juris non excusat*» و امثال آن^۲ و نیز برخی اسناد و کنفرانسیون‌ها و اساس‌نامه بین‌المللی^۳ ممکن است پژوهشگر را در بررسی تعامل جهل بسیط حکمی در نظام‌های حقوقی مورد بحث حداقل در بدو امر به تباین نسبی آنها رهنمون گردد. لکن مطالعه عمیق و پژوهشی با تأمل پیرامون استثنائاتی که هر چند محدود و به تبع انتقاداتی که نسبت به فرض «علم به قانون» صورت پذیرفته - تا آنجا که برخی معتقدند امروزه عملاً هیچ‌کس توانایی اطلاع از کلیه ممنوعیت‌های قانونی را ندارد (آنسل، ۱۳۷۵، ص ۶۲) - تعامل مورد تحقیق جلوه دیگری نیز می‌یابد. بر این پایه صرف‌نظر از تبیین زوایای موجود موثر در چگونگی تمایز جهل و شبهه حکمی از موضوعی که گاه آن را با دشواری مواجه ساخته است *Identifying whether the mistake is one of criminal law or fact is not always easy, for example...* (Ormerod, 2005, p. 294) اشتباه حکمی در قالب استثناء به عنوان دفاعی در برابر مسئولیت ناشی از ارتکاب جرم در حقوق آمریکا ابعاد متفاوتی از تعامل دو شبهه مورد بحث در این فرض را روشن می‌گرداند. در واقع پذیرش شبهه حکمی به عنوان دفاع در فرض شبهه مسبب از نحوه نامناسب انتشار قانون یا عدم آن (Martin, 1997, p. 296) و یا ارشاد ناصحیح مقامات رسمی قانون (official draft and explanatory notes of MPC, p. 268)^۴ نمونه‌ای از این استثنائات است. به هر حال چنین مواردی که بیانگر پذیرش نوعی جهل حکمی در این نظام حقوقی است و در راستای اصلاحات حقوقی در قالب قوانین مدون کشورهای هم‌چون انگلیس نیز گنجانیده گردیده است (S3(2) of the statutory Instruments Act 1946). می‌تواند تعامل تأثیرگذاری جهل حکمی در مسولیت متهم را در حله اصلاحیه مختصر "slight amendment" صورت گرفته (Ormerod, 2005, p. 294) متحوّل گرداند هرچند پذیرش شبهه حکمی و طرح قاعده گونه عبارت «*ignorantia juris non excusat*» به لحاظ ثبوتی و اثباتی آن را تحت‌الشعاع قرار داده و محدود می‌گرداند.

1- "Rules relating to hearsay evidence." see: Sprack, 2006, p. 17.

۲. به عنوان نمونه می‌توان به تعبیر "Nemo censetur ignorare leyera" در حقوق فرانسه اشاره نمود.

3-see: Rome Statute of the International Criminal Court, Article 32.

4-Of course where relies on predominantly ascriptive See: Horder, 2007 pp. 270 - 271. And see: Ormerod, 2005 p. 294 and see: Booth QC. And Squires, 2006, p. 440.

به عبارت دیگر بر خلاف جهل بسیط موضوعی که علی‌الاصول طبق ضوابط آن قابل استماع تلقی می‌گردد،^۱ در جهل حکمی حتی از نوع مرکب آن استماع ادعای مرتکب بر خلاف قاعده است و جز در موارد استثنایی پذیرش آن ممکن نیست (کاتوزیان، ۱۳۸۳، ص ۱۶۴؛ و نیز استفانی و دیگران، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۵۳۰) در واقع جز در معدود جرایمی که قانون‌گذار تحقق جرم را به لحاظ ثبوتی منوط به آگاهی به حکم قانون در ذهن مرتکب شمرده است همچون ماده ۶۴ قانون مجازات اسلامی که مقرر داشته زنا در صورتی موجب حد می‌شود که زانی و زانیه بالغ و عاقل و مختار بوده و به حکم و موضوع آن نیز آگاه باشند می‌توان چنین قاعده کلی را استنباط نمود که جهل بسیط حکمی نیز علی‌الاصول نبایستی پذیرفته شود^۲ و لایحه قانون مجازات اسلامی نیز جهل به قانون را تنها در موارد مصرح به مؤثر بودن آن عذر شناخته است.^۳ در مقابل در فقه امامیه نیز در رابطه با جهل به حکم هر چند شرایط بیشتر برای پذیرش آن قائل هستند زیرا اصل برائت در مورد جهل به حکم منوط به فحص و جستجوی مرتکب برای یافتن قانون و نیز یأس از پیدا کردن آن است^۴ و البته بدیهی است که در شبهات موضوعی فحص لازم نیست و بنابراین کسی که احتمال تقلبی بودن دلارهای خود را می‌دهد ولی بدون تحقیق آنها را به ریال تبدیل می‌کند کلاهبردار است،^۵ لکن با این وصف اصل پذیرش این نوع از جهل بسیط از جلوه جرم زدایانه بیشتر در مقایسه با بسیاری از نظام‌های حقوقی بهره‌مند است و البته گاه سایر اصول عملیه مقدم بر اصل برائت می‌گردند. بر این پایه، چنانچه شخصی به گمان این که کار مورد نظرش در راستای سیاست جرم زدایی وصف جرم بودن را از دست داده مرتکب آن عمل گردد چنانچه بعداً معلوم گردد پندار وی نادرست بوده، استصحاب جرم بودن مقدم بر اصل برائت خواهد بود و وی مجرم است. در حقوق آمریکا نیز چنانکه اشاره گردید با توجه به اصل کلی عدم پذیرش جهل و اشتباه حکمی (آقایی نیا، ۱۳۷۹، ص ۵ و Garner, 2000, p.419) جز در موارد استثنایی و خلاف قاعده همچون مواردی که به صراحت قانون گزار چنین جهلی را پذیرفته باشد (MPC, 1985, p.28). یا به گونه‌ای باشد که متکی بر تفسیر رسمی قانون‌گذار باشد (Official draft and explanatory notes of MPC, p.277). در سایر موارد جهل بسیط چنانچه

۱. قید علی‌الاصول به دلیل آن است که گاه قانون گزار علم مرتکب به موضوع را همچون دانش وی نسبت به قانون مفروض دانسته است. به عنوان نمونه ماده ۴۹۹ قانون مجازات اسلامی هر کس را که عضو دسته‌های ضد امنیت کشور باشد مجرم شناخته است مگر این که بی اطلاعی او از اهداف آن دسته اثبات شود.

۲. برای ملاحظه تأثیر جهل مرکب حکمی بنگرید به: آقایی نیا، ۱۳۸۶، ص ۶۶.

۳. صدر ماده ۶-۱۴۳ مقرر می‌دارد: هر گاه شخصی در اثر خطای در فعل و یا اشتباه در موضوع یا جهل به قانون در مواردی که جهل به قانون عذر باشد، عمل مجرمانه‌ای از او صادر شود مستوجب مجازات مقرر برای آن عمل نخواهد بود.

۴. برای تفصیل بنگرید به شیخ انصاری، ۱۴۲۴ ق، ج ۲، ص ۴۱۲ و برای ملاحظه سایر شرایط و ضوابط استناد به اصل برائت بنگرید به زهری، ۱۳۸۴، ص ۹۴.

۵. بنگرید به میرمحمد صادقی، ۱۳۸۵، ص ۹۷ ایشان طریق احتیاط را محکوم نکردن چنین شخصی به کلاهبرداری می‌داند.

متعلقش حکم قانون‌گذار باشد در انتفاء جرم تأثیر گذاری جدی ندارد و ممکن است از کیفیات مخففه در نظر قاضی از موجبات کاهش مجازات تلقی گردد مگر آنکه موجب زوال عنصر معنوی جرم گردد.

۱۲- نتیجه‌گیری

جهل بسیط مقوله نامحسوس و غیر وجودی است که هر چند مصادیق متعدّد آن در مطالعه تطبیقی پیش رو به طور گسترده ارائه گردید لکن این پژوهش مقارنه‌ای همچینین بیانگر خلاء بررسی متمرکز در خصوص این موضوع در گستره حقوق ایران، آمریکا و فقه امامیه توأم با نگرش به برخی مواد لایحه قانون مجازات اسلامی نیز می‌باشد.

با این وصف، خواه جرم زدایی و خواه کیفر زدایی ناشی از تأثیر گذاری جهل بسیط در مسئولیت مرتکب جاهل، در مصادیق متعدد خویش حسب طبقه‌بندی گوناگون جرائم، تعامل قابل طرح و خاص را خواه با مصادیق اشتباه و خواه با مفهوم آن (به تفصیل ارائه شده) داراست. در این راستا، جهل بسیط بر پایه معنا شناسی تبیین شده در هر یک از جرایم عمدی، جرائم شبه عمد، جرائم خطاء محض و غیر عمد همچینین جرائم در قالب قصد مشروط Conditional intention یا جرائم در شکل جهل ارادی wilful blindness جلوه‌ای ویژه دارد که گاه سبب انتفاء اصل تحقق جرم و گاه صرفاً عامل مخففه و گاه بلا تأثیر تلقی می‌گردد که در نهایت حاکی از رابطه عموم و خصوص من وجه تأثیر گذاری پدیده جهل بسیط در مقایسه نظام‌های حقوقی موضوع پژوهش می‌باشد و وجه اشتراک این نظام‌ها در اصل پذیرش تأثیر گذاری جهل بسیط قابل ملاحظه است.

منابع و مأخذ

الف- فارسی

۱. آقای نیما، حسین، (۱۳۸۶) الف. حقوق کیفری اختصاصی جرائم علیه اشخاص (جنایات)، نشر میزان.
۲. آقای نیما، حسین، (۱۳۸۶) ب. حقوق کیفری اختصاصی جرائم علیه اشخاص (شخصیت معنوی)، نشر میزان.
۳. آقای نیما، حسین، (۱۳۸۳) تخفیف مجازات: سلطنت مطلق یا اختیار مقید، علوم جنایی (مجموعه مقالات)، سمت.
۴. آنسل، مارک، (۱۳۷۵)، دفاع اجتماعی، ترجمه محمد آشوری و علی حسین نجفی ابرند آبادی، دانشگاه تهران.
۵. اردبیلی، محمد علی، (۱۳۸۲)، حقوق جزای عمومی، جلد اول و دوم، چاپ هفتم، تهران: نشر میزان.
۶. استفانی، گاستون؛ و... (۱۳۷۷) حقوق جزای عمومی، ترجمه حسن دادبان جلد اول، دانشگاه علامه طباطبائی.
۷. بجنوردی، سید محمد، (بی تا)، قواعد فقهیه، چاپ دوم، تهران: نشر میعاد.
۸. پرادل، ژان و کورسنتز، گرت، (۱۳۸۶) حقوق کیفری اروپایی، ترجمه محمد آشوری، چاپ اول، تهران: سمت.
۹. پیمانی، ضیاء‌الدین، (۱۳۸۰)، حقوق کیفری اختصاصی (جرائم علیه امنیت و آسایش عمومی)، نشر میزان.
۱۰. حسینی، سید محمد، (۱۳۸۳)، سیاست جنایی (در اسلام و جمهوری اسلامی ایران)، تهران: انتشارات سمت.

۱۱. رهامی، محسن، (۱۳۸۱) اقدامات تامینی و تربیتی، چاپ اول، تهران: نشر میزان.
۱۲. زهروی، رضا، (۱۳۸۴) جایگاه قاعده در نظام حقوق کیفری ایران و فقه امامیه، پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی.
۱۳. زهروی، رضا، (۱۳۸۶)، بازوهای تورم جمعیت کیفری زندان‌ها بر پیکر سیاست جنایی قانون‌گذارانسه، (مجموع مقالات همایش راهکارهای کاهش جمعیت کیفری زندان) با مقدمه محمد آشوری، تهران: نشر میزان.
۱۴. صفری، محسن، (۱۳۷۷)، فریب کاری و آثار آن در حقوق مدنی ایران و فقه امامیه، چاپ اول دادگستر.
۱۵. صفری، محسن و زهروی، رضا، (۱۳۸۸) مطالعه تطبیقی شبهه قاعده در نظام حقوق کیفری ایران، فقه امامیه و انگلستان، مجله دانشکده حقوق دانشگاه تهران، تابستان ۸۸ شماره ۲.
۱۶. کاتوزیان، ناصر، (۱۳۸۳)، مقدمه علم حقوق و مطالعه در نظام حقوقی ایران، چاپ ۴۱، سهامی انتشار.
۱۷. گرجی، ابوالقاسم، (۱۳۸۱)، حدود تعزیرات و قصاص، چاپ اول، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۱۸. گلدوزیان، ایرج، (۱۳۸۰)، حقوق جزای اختصاصی (۱، ۲، ۳)، تهران: نشر میزان.
۱۹. لفیو، واین آر (۱۳۷۹) جهل و اشتباه و آثار آن در مسوولیت متهم در حقوق کیفری آمریکا (ترجمه: حسین آقای نی)، مجله دانشکده حقوق دانشگاه تهران.
۲۰. لفیو، واین آر (۱۳۸۷) سببیت و قتل در نظام کیفری ایالات متحده آمریکا (ترجمه: حسین آقای نی): میزان .
۲۱. محقق داماد، سید مصطفی، (۱۳۸۱)، قواعد فقه (۴) تهران: نشر علوم اسلامی.
۲۲. میر محمد صادقی، حسین، (۱۳۸۳)، دادگاه کیفری بین‌المللی، چاپ اول تهران: نشر دادگستر.
۲۳. میر محمد صادقی، حسین، (۱۳۸۲)، حقوق جزای اختصاصی (۳) جرائم علیه امنیت و آسایش عمومی، نشر میزان.

ب- عربی

۱. انصاری، شیخ مرتضی، (۱۴۲۴)، فرائد الاصول، جلد اول و دوم، چاپ چهارم، قم: مجمع الفکر الاسلامی.
۲. خمینی الله سید مصطفی، (۱۴۱۸)، تحریرات فی الاصول، چاپ اول، تهران: موسسه نشر آثار الامام الخمينی.
۳. خویی، الله سید ابوالقاسم، (۱۹۷۵)، میانی تکلمه المنهاج، جلد اول، نجف الاشرف مطبعه الآداب.
۴. طریحی، فخر الدین نجفی، (۱۳۳۹)، مجمع البحرین، چاپ سنگی، تهران: مکتبه المصطفوی.
۵. شهید ثانی، زین الدین بن علی، (۱۳۹۶)، روضه البهیة فی شرح اللعنه الدمشقیه، طبعه الثانیه، قم: علمیه.
۶. شهید ثانی، زین الدین بن علی، (بی تا)، مسالک الافهام فی شرح شرایع الاسلام، جلد دوم، سنگی، البصیرتی.
۷. شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن (بی تا) المبسوط، جلد هشتم.
۸. فراهیدی، الخلیل بن احمد، (۱۴۰۹) العین، الجزء الثاني، طبعه الاولى موسسه دار الهجرة.
۹. عاملی، محمد جواد، (۱۴۱۹)، مفتاح الکرامه فی شرح قواعد العلامه، جلد ۹، قم: موسسه النشر الاسلامی.
۱۰. عاملی، محمد بن الحسن الحر، (۱۳۸۹)، وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، مکتبه الاسلامیه.
۱۱. محقق حلی، جعفر بن الحسن (۱۴۰۳)، شرایع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام، قم: ارالمهدی.
۱۲. مظفر، محمدرضا، (۱۴۲۳)، اصول الفقه، جلد سوم و چهارم، قم: موسسه النشر الاسلامی.
۱۳. مظفر، محمدرضا، (۱۳۸۱)، المنطق (تصحیح حسین دشتی)، چاپ اول، تهران: مدرسه فرهنگی آرایه.
۱۴. میر سجادی، السید علی، (۱۴۲۹)، الهدایه الی غوامض الکفایه، الجزء الثاني، طبعه الاولى، سید الشهداء (ع).
۱۵. نجفی، شیخ محمد حسن، (بی تا)، جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام، جلد ۲۹ و ۴۱، احیاء التراث العربی.

ج- خارجی

- 1-Booth QC, Cherie and Squires, Dan, (2006), *The negligence Liability of Public authorities*, oxford university press .

- 2- Diffie, Whitfield, Eva Landau, Susan, (2007), **Privacy on the Line: The Politics of Wiretapping and Encryption**, Published by MIT Press.
- 3- Elliott, Catherine, and Quinn, Frances, (2000), **Criminal Law**, Third Edition, Longman.
4. Garner, Bryan, (2000), **Black's law Dictionary**, 5 edition new pocket edition- revised from A t Z, Free press.
5. Horder, Jeremy, (2007), **Excusing Crime**, First Published in paper back, oxford University
6. Lafave, wayne R. (2000), **Criminal law** , Third Edition, west Group .
7. **Model penal code** , (1985), complete statutory Text , American law Institute..
- 8- Martin, Elizabeth, A ,(1997) **A dictionary of law**, Fourth Edition , oxford university press
9. Pinto, Amanda and Evans, Martin, (2004), Corporate. **Criminal Liability**, London, Reprinted Sweet and Maxwell.
10. Ormerod, David, (2005), **Smith and Hogan Criminal Law**, 11 th Edition, Oxford university press, New York.
- 11- Ormerod, David, (2007), **Smith's Law of theft**, Ninth Edition, oxford university Press.
12. Siegel, Larry, (1997) **Criminology**, sixth Edition , New York west/ wads worth publishing company.
- 13- **Rome Statute of the International Criminal Court**, Text of the Rome Statute circulated as document A/CONF.183/9 of 17 July 1998 and corrected by process-verbaux of 10 November 1998, 12 July 1999, 30 November 1999, 8 May 2000, 17 January 2001 and 16 January 2002. The Statute entered into force on 1 July 2002.
- 14- Sprack, John, (2006), **A Practical Approach to Criminal Procedure**, Eleventh Edition, oxford New York.

از این نویسنده تاکنون مقالات زیر در همین مجله منتشر شده است:

- «مسئولیت کیفری ناشی از عملیات ورزشی»، سال ۱۳۷۸، شماره ۴۶. «تأثیر جهل یا اشتباه بر مسئولیت کیفری در حقوق آمریکا»، سال ۱۳۷۹، شماره ۵۰. «جایگاه سرقت در حوزه مفهومی مالکیت: بررسی تطبیقی مفهوم سرقت در چهار نظام حقوقی (انگلستان، آمریکا «فلوریدا»، کانادا و ایران)»، سال ۱۳۸۸، شماره ۲.